

## موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقفنامه‌ها

مهناز رحیمی فر\*

سعیداف عبدالقهار\*\*

### چکیده

براساس آثار مکتوب باقی مانده از دوران صفویه، بی‌گمان وقف یکی از شکوفاترین دوران خود را در این زمان داشته است. شاهان صفویه از پیشقدمان وقف‌های بزرگ، به حساب می‌آیند و به تبع بسیاری از حاکمان مناطق، درباریان و افراد خیرخواه نیز املاک و اموال فراوانی را در سرتاسر مملکت وقف کردند. با توجه به گستردگی و پراکندگی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه وقف در دوره صفویه، در این مقاله سعی شده براساس وقفنامه‌های منتشر شده (اصل وقفنامه یا رونوشت آن و برخی اسناد مرتبط به وقف)، و با استفاده از منابع دیجیتال، با تأکید بر برخی از وقفنامه‌های مشهد (آستان قدس رضوی)، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مراکز مذهبی مورد توجه واقفان، و اردبیل (بقعه شیخ صفی‌الدین) با پیشینه غنی از وقفیات خانقاهی، موقعیت و طبقات اجتماعی واقفان در آن زمان مورد بررسی قرار گیرد.

### واژگان کلیدی

صفویه، طبقات اجتماعی، اسناد وقفی، اردبیل، مشهد.

### طرح مسئله

تأکید بر ارزش پژوهشی اسناد کاغذی در طی سال‌های اخیر، و روی آوردن پژوهشگران به این منابع ارزشمند، پراکندگی این آثار را بیش از پیش، نمایان کرده و مانع دستیابی به اطلاعات آماری دقیق از آنها شده است. در

mzrahimifar@hotmail.com

s.abdolgahar@hatmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۷

\*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه ملی دوشنبه - تاجیکستان.

\*\* استاد تمام دانشگاه ملی دوشنبه - تاجیکستان.

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۹

طی سال‌های اخیر، تلاش پژوهشگران و مسئولان امر، برای یافتن و شناسایی و معرفی و تهیه فهرست، از این اسناد در مراکز و آرشیوهای دولتی و غیر دولتی و مجموعه‌های خصوصی راهگشای محققین بوده است. بررسی پیشینه وقف، به‌ویژه از طریق احادیث و روایات برجای مانده از رسول اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نشان می‌دهد، آنان اهتمام زیادی در گسترش وقف داشتند.<sup>۱</sup>

به پیروی از این بزرگان، سنت وقف تداوم یافت، و در اغلب دوران، شهرهای مهم مذهبی، سیاسی و اقتصادی شاهد ایجاد و گسترش وقف‌های بزرگ و با اهمیت بودند و در زمینه‌های مختلف از اثرات آن بهره‌مند شدند.

شواهد تاریخی، دوره صفویه را یکی از دوران مهم در شکوفایی وقف معرفی می‌کنند. در این زمان، شاهان صفوی به‌ویژه شاه عباس اول، اموال، رقبات و املاک خالصه بسیاری را وقف کردند. به تبعیت از آنها، بسیاری از حاکمان محلی و سایر درباریان و افراد با نفوذ نیز وقفیات فراوانی را در سرتاسر مملکت وقف کردند. بسیاری از موقوفات، با مقاصد خیرخواهانه، وقف بقاع متبرکه، به‌ویژه آستانه امام رضا علیه‌السلام در مشهد و حضرت معصومه علیها‌السلام در قم شد.

شهر مقدس مشهد، از جمله شهرهایی است که در دوران مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است. در مراکز فرهنگی مشهد، به‌ویژه آرشیوهای دولتی و غیر دولتی، تعداد قابل توجهی از اسناد، به‌ویژه در ارتباط با وقفیات نگهداری می‌شود.

وجود آستانه امام رضا علیه‌السلام در مشهد، سبب گردیده این شهر همواره مورد توجه مسلمانان قرار گیرد، و ملجایی برای برآورده شدن نیازهای آنها گردد. اهدا نذورات و تعیین وقفیات برای این مکان مقدس، از رایج‌ترین سنت‌های مذهبی بوده که تاکنون نیز ادامه دارد.

تاریخ دقیقی از اولین موقوفات یا نام واقف و واقفان آستان قدس وجود ندارد، اما براساس اسناد موجود، جریان وقف از قرن چهارم به بعد در آنجا رواج یافته است.<sup>۲</sup> با افزایش زائران حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام، شهر مشهد و آستانه مقدس نیز در دوران مختلف، به‌ویژه صفویه گسترش یافت.

اسکندربیک در خصوص اقدامات شاه عباس می‌نویسد:

آنچه در مشهد مقدس معلی ترتیب یافته، توسیع صحن آستانه مقدس و ایوان‌های رفیع و عمارات دور آن و نقاشی و زیب و زینت حرم محترم و احداث خیابان و اجرای نهری از میان خیابان و حوض عالی در اندرون صحن، که همیشه در آن ملامال و موجب دعای خیر زوار و

۱. رحیمی، «وقف در قرآن»، میراث جاویدان، ش ۴۵، ص ۲۹.

۲. کریمیان، «موقوفات استان قدس رضوی در افغانستان آسیای میانه و قفقاز»، گنجینه اسناد، ش ۵۰ - ۴۹، ص ۶۴.

سکنه آن روزه سدره مثال است و گنبد عالی تربت شریف عارف ربانی، خواجه ربیع الخثیم در بیرون شهر در کمال زیبایی و زینت که در خوبی و شیرینی عمارت عظیم المثل است و عمارت قدم‌گاه شاه‌پور کسری و ایوان‌ها و عمارات متصله به آن و حوضی که آب از کوه رفیع بفواره می‌ریزد و احداث خیابان و غرس درختان که خصوصیات آن مقام فلک فرسای و ماصدق سر من رأی است ...<sup>۱</sup>

شهر اردبیل، نیز به علت وجود بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در دوران مختلف از قداست خاصی برخوردار بوده است.

پس از آنکه شیخ صفی‌الدین اردبیلی جانشین خلیفه شیخ زاهد گیلانی شد (۷۰۰ ق)، اردبیل مسکن و خانقاه او، محل اجتماع مریدانش شد. او به تدریج پایه‌گذار نهضتی مذهبی و حکومتی روحانی در شهر اردبیل گردید. پس از فوت شیخ صفی (۷۳۵ ق)، پسرش شیخ صدرالدین و پس از او پسران و نوه‌هایش، علاوه بر انجام امور مذهبی، در مسائل سیاسی نیز به فعالیت پرداخته و سبب توسعه و ترویج اعتقادات مذهبی، نه تنها در سراسر ایران، بلکه در سوریه، آسیای صغیر و ... گردیدند.<sup>۲</sup>

با افزایش مریدان شیخ و زائران آرامگاه او، برای تأمین نیاز آنها، صدرالدین موسی، فرزند شیخ صفی، بناهای بقعه را گسترش داد. در طول تاریخ نیز برخی از پادشاهان نیز نسبت به شیخ صفی ارادت خاص داشته و برای توسعه مزار او، اقدامات قابل توجهی انجام دادند. از جمله تیمور، نسبت به مقدسین و پیشوایان دینی توجه خاصی داشت و برای آنها خیرات و نذورات بسیاری می‌کرد. کتاب *سازمان اداری حکومت صفوی* در مورد توجه خاص او به مزار شیخ صفی در اردبیل می‌نویسد: «تیمور از پول خود مزارع و دهاتی در حوالی اردبیل خرید و وقف مزار شیخ صفی کرد و مزار شیخ را وی بست و تحصن شناخت، به علاوه خراج ولایت اردبیل را به خاندان صفویه بخشید ...»<sup>۳</sup>

شاهان صفوی با انتساب نسب خود به شیخ صفی، سبب گردیدند، این شهر در دوره صفوی از اهمیت بسیاری برخوردار گردد؛ چنان که آنجا مکان آرامگاه برخی از پادشاهان و بزرگ‌زادگان این دوره شد؛ و اسماعیل صفوی، اولین پادشاه حکومت صفویه، پس از درگذشت (۹۳۰ ق) در اردبیل، در کنار مدفن جدش، شیخ صفی‌الدین، به خاک سپرده شد. توجه خاص شاهان صفوی به این مکان مقدس، منجر به گسترش آن گردید. چنان که اسکندربیک پیرامون اقدامات شاه عباس در اردبیل می‌نویسد:

در دارالارشاد اردبیل عمارات آستانه متبرکه سید جبرئیل ... که پدر بزرگوار حضرت قطب‌الاولیا

۱. ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، ج ۱، مقاله یازدهم.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. مینورسکی، *سازمان اداری حکومت صفوی*، ص ۲۴۲.

شیخ صفی الحق و الحقیقت و الدین طاب ثراه وجددهم ... و محجر طلای صفة برابر ضریح مبارک و محجر نقره و دیگر زینت‌های حظیره مبارکه و تجدید عمارت مزار کثیرالانوار حضرت عارف ربانی شیخ زاهد گیلانی و ترتیب عمارات عالیہ تربت شریف حضرت سلطان الاولیا و المحققین شیخ شهاب‌الدین اهری ... و باغ بهشت آسای آن روضه فیض انتما و ...<sup>۱</sup>

در این زمان، اردبیل در کنار شهرهای مشهد و قم، مقدس شمرده شد، به‌ویژه با مقبره‌های خاندان صفوی به تنها مکان مقدس ملی تبدیل شد.

### طبقات اجتماعی در دوره صفویه

رویداد تحولات اجتماعی، اقتصادی و مذهبی و شیوه حکومتی، در ایجاد ساختار طبقاتی در دوره حاکمان مختلف صفوی، نقش اساسی داشته است. سلطنت موروثی، که در این دوره از قداست مذهبی نیز برخوردار شده بود، سبب ایجاد قدرت مطلقه برای شاه گردید؛ و او را در رأس طبقات اجتماعی قرار داد. بلندمرتبه‌ترین مقام‌های درباری، سرداران نظامی و کارکنان حکومتی نیز در رده‌های پائین‌تر از او بودند.

سرکردگان سپاهیان در آغاز حکومت صفویه، اغلب ترک یا ترکمان بودند و از میان سران طوایف قزلباش انتخاب می‌شدند. اما بعدها و به‌ویژه پس از اصلاحات تازه‌ای که شاه عباس اول در سازمان نظامی ایجاد کرد، اکثر غلامان خاص درگاه، مخصوصاً گرجی‌ها و ارمنی‌هایی که از کودکی مسلمان شده بودند، متصدی این‌گونه مناصب شدند.<sup>۲</sup> علاوه بر اشرافیت نظامی، تاجیکان یا اعیان دیوان‌سالار ایرانی از دیگر عناصر اشرافی در ساختار اجتماعی این دوره بودند.

محاسبان، مستوفیان، کاتبان، منشیان، خزانه‌داران، مهربداران و وزیران، اغلب تاجیکان بودند. آنان از قدیم این‌گونه امور را به‌عهده داشتند.<sup>۳</sup>

رسمیت یافتن مذهب تشیع در این دوره سبب گردید، سادات، علما و مشایخ، نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی، مهم به‌شمار آیند. به‌ویژه در زمان شاه طهماسب اول و شاه سلطان حسین، نفوذ علما به اوج خود رسید و بدون صلاحدید مجتهدین، کارهای مهم، در زمینه‌های مختلف به‌ویژه حکومت انجام نمی‌شد.<sup>۴</sup>

روحانیان از لحاظ اقتصادی و امور قضایی از یک طرف با منشیان و کارگزاران حکومت و از طرف دیگر با خرده مالکین در اداره اوقاف و یا سایر امور مربوط به مالکین در ارتباط بودند.<sup>۵</sup>

۱. ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۱، مقاله یازدهم.

۲. نوائی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۰۱ - ۳۰۰.

۳. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۲.

۴. نوائی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۲۹۸.

۵. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۲۳.

صوفی‌گری، از دیگر عوامل مؤثر در ایجاد شرایط خاص اجتماعی و سیاسی در این دوره می‌باشد. مقام خلیفه‌الخلافا در ابتدای پیدایش و گسترش صفویه از مقام‌های مهم بوده است. قبل از ایجاد حکومت و در آستانه سیاسی شدن تشکیلات صفویه، این مقام و به‌طور کلی، خانقاه تحت امر، به‌عنوان محلی برای نظارت بر تشکیلات گسترده صوفی و انجام امور صوفیانه بود و خلیفه‌الخلافا به‌عنوان نایب و استاد شاه محسوب می‌شد.<sup>۱</sup> ولی به تدریج از قدرت و اعتبار صوفیان کاسته شد. چنان‌که در اواخر سلطنت شاه سلیمان به مشاغلی چون باربری و مهتری و ... گمارده شدند.<sup>۲</sup>

گروه‌های دیگر اجتماعی چون بازرگانان، تجار، پیشه‌وران شهری (اصناف) و کارگران و هنرمندان درباری و کشاورزان و دهقانان و علاوه بر آنها اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه تجار ارمنی در زمان شاه عباس، نقش اساسی در زمینه اقتصاد برعهده داشتند.

زنان از دیگر گروه‌هایی بودند که در طبقات اجتماعی مختلفی جای داشتند. زنان خاندان سلطنتی و درباریان و اشراف، زنان طبقه متوسط شهری، که در برخی فعالیت‌های هنری و اجتماعی مشارکت می‌کردند، و زنان روستایی و عشایری که در زمینه کشاورزی و دامداری و امور خانه‌داری فعالیت می‌کردند. زنان علاوه بر وظیفه خانه‌داری به انجام امور و کارهای تولیدی چون قالیبافی، گلیم‌بافی، جاجیم‌بافی و ... اشتغال داشتند.<sup>۳</sup>

گروه دیگری از زنان این دوره را، کنیزکان و زنانی که ازدواج موقت می‌کردند، تشکیل می‌دادند. برخی مشاغل مربوط به زنان و مشاغلی که به‌نحوی به آنان مرتبط می‌شد، اغلب توسط زنان اقلیت‌های مذهبی یا زنان طبقات پایین جامعه انجام می‌شد، مشاغلی همچون پرستاری و مشاطگی.<sup>۴</sup>

نوادگان زنان قبایل قزلباش، قدرت اجتماعی و اقتصادی فراوانی به‌دست آورده بودند، و این امر در القابی که در منابع، برای این زن‌ها به‌کار رفته است، از قبیل علیاحضرت، خاتون، خانم، سلطان، خان‌آقا، شاه سلطان، پاشا، بانو، سیده، بیگی و بی‌بی تجلی یافته است.<sup>۵</sup>

قوانین ارث اسلامی نقش مهمی برای وارثان زن قائل شد. آنها نصف مردان هم‌پایه خودشان ارث می‌بردند و درعین حال از نظر قانونی، حق کنترل و در اختیار گرفتن کامل دارایی خود را داشتند. زنان، سهمی از اموال شهری و روستایی از قبیل اراضی روستایی، واحدهای مسکونی، حمام‌های عمومی، کاروان‌سراها و مغازه‌ها را به ارث می‌بردند. انتقال اموال از طریق خرید و فروش مستغلات و املاک خصوصی در بین زنان رایج بود. زنان صفوی نقش به‌سزایی در سوق دادن املاک و دارایی به‌سوی فعالیت‌های خیریه از طریق

۱. نوائی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۲۳.

۲. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۱۹.

۳. فیگوئرا، سفرنامه، ص ۲۵۱.

۴. احمدی، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مندرج در: مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، ج ۱، ص ۱۶۳.

۵. زرین‌باف شهر، «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارت‌گاه شهر اردبیل»، نامه تاریخ پژوهان، ش ۳، ص ۸۲۴.

فروش وقفیات به عهده داشتند.<sup>۱</sup>

به طور کلی مورخین و پژوهشگران، بر پایه دیدگاه های خاص، نظریات متفاوتی را پیرامون طبقات اجتماعی این دوره ارائه کرده اند. از جمله چنین تقسیم بندی ارائه گردیده است: شاه، طبقات حاکمه (شاغلین مقامات و مناصب عالی اداری، سرداران نظامی، امرای ایلات و عشایر، طبقات اشراف روحانیون)، طبقات میانی (خرده مالکان، تجار و بازرگانان)، کارگران (پیشه‌وران و به طور کلی اصناف به ویژه در شهر اصفهان و پیشه‌ورانی که در بیوتات سلطنتی کار می کردند) و کشاورزان.<sup>۲</sup>

برخی دیگر، با تأکید بر طبقه حاکم، تقسیم کار میان شهر و روستا، نظام صنفی به ویژه بازرگانان، وجود شهرهای مستقل، افزایش و گسترش تجارت و پیشرفت تکنولوژی و نیروهای تولید، را از عوامل مؤثر بر پیدایش سرمایه داری به عنوان نظام اجتماعی مورد تأیید قرار داده اند.<sup>۳</sup>

و برخی دیگر نیز با قرار دادن شاه در رأس هرم و سایر مردم در قاعده آن، بر اساس زندگی شهری یا روستایی، این طبقه بندی را ارائه کردند: ساختار شهری (بازار و اصناف، سادات - علما و مشایخ، ارتش) و ساختار روستایی (دهقانان و کشاورزان)، ساختار عشیره ای (طوایف مهم).<sup>۴</sup>

فوران با تأکید بر ماهیت دولت بر پایه سه نهاد «دستگاه دیوانی مرکزی» و «حکومت ایالت» و «ارتش» با محوریت شاه و دربار، دیگر طبقات اجتماعی را چنین مشخص می نمایند. بلندمرتبه ترین مقام های دربار شامل وزیر اعظم، سرداران سپاه، خزانه دار دولت، صدر یا بلند پایه ترین پیشوای مذهبی و پس از آنها، مناصب و مقام های متعدد چون پزشکان درباری، منجمان، خواجگان درباری، ملازمان، غلام بچه گان، هنرمندان و پیشه‌وران ماهر و در تشکیلات دولتی، منشیان، محاسبان مالی دولتی - درباری، کارگاه ها، واحد جمع آوری مالیات و واحدهای نظامی. و در نهایت طبقه حاکم یعنی شاه، دیوان سالاران بلند پایه، فرماندهان نظامی و حکام ایالات، به دلیل کنترل نهادهای مهم دولت - دیوان سالاری مرکزی، حکومت های ایالتی و ارتش - مجموعاً دولت را تشکیل می داده اند.<sup>۵</sup>

و ساختار اقتصادی، را متشکل از سه بخش قبایل شبان کاره و بیابان گرد، دهقانی و روستایی و اصناف شهری (پیشه‌وران، تجار و بازرگانان، هنرمندان و کارگران کارگاه های سلطنتی) می داند.<sup>۶</sup>

و برخی دیگر، بر پایه سنت های کهن، ریشه ساختار طبقاتی این دوره را، در دوران اوستایی دانسته و چهار

۱. همان، ص ۱۳۱.

۲. مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ص ۳۱ - ۱۷.

۳. نویدی، تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی، ص ۱۱.

۴. نوائی، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، ص ۳۰۵ - ۲۹۵.

۵. فوران، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ص ۵۱ - ۴۸.

۶. همان، ص ۶۷ - ۵۳.

طبقه شاه، اشرافیت نظامی، اشرافیت مذهبی و روستایی را پایه طبقات اجتماعی دوره صفویه دانسته‌اند که در زمان‌های مختلف، با ایجاد تحولات اجتماعی، ترکیب این طبقات دستخوش تغییرات گردیده است.<sup>۱</sup>

به‌طور کلی در مورد ساختار اجتماعی و نهادهای دوره صفویان، براساس پژوهش مورخین و مکتوبات سیاحان، نظرات متعددی بیان شده که گاه با هم اختلاف دارند، از جمله در ساختار دینی مطرح‌شده از طرف کمپفر و شاردن.<sup>۲</sup>

براساس نظریات اعلام‌شده و با دید کلی، برای این بحث، دو طبقه عمده اجتماعی در نظر گرفته شده است: طبقه حاکم (شامل شاه، وابستگان او از جمله درباریان، خاندان‌های اشراف، سران نظامی، روحانیون متنفذ، دیوانیان بلندپایه) و طبقه عامه مردم (اصناف، پیشه‌وران، بازرگانان، دهقانان و کشاورزان و ...).

### وقف‌نامه‌های آستان قدس رضوی (مشهد)

پس از شهادت امام رضا علیه السلام، وقف برای آستان قدس رضوی آغاز شد. طبق نوشته ابوالفضل بیهقی، مستغلاتی توسط بوالحسن عراقی، دبیر دولت غزنوی وقف شده است. بیهقی در این باره چنین می‌نویسد: «در روز دوشنبه ششم شعبان سال ۴۲۹ ق، بوالحسن عراقی دبیر، گذشته شد رحمة الله علیه ... و کاریز مشهد را که خشک شده بود، باز روان کرده و کاروان‌سرای برآورده و دیهیی مستقل، به سبک خراج بر کاروان‌سرا و کاریز وقف کرده و ...»<sup>۳</sup> و نیز موقوفه دیگری از صاحب دیوان غزنویان ابوالفضل سوری بن معتز وجود داشته است. او در زمان سلطان مسعود غزنوی، عمید خراسان بود (۴۳۲ - ۴۲۱ ق). در مورد این وقفیات در تاریخ بیهقی چنین آمده که: «در سال ۴۲۵ ق در مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام دیهیی خرید فاخر، و بر آن وقف کرد.»<sup>۴</sup> اهمیت روزافزون این شهر مذهبی، موجب گسترش وقف، توسط اقشار و طبقات اجتماعی مختلف مردم گردید.

یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه یافتن وقفیات آستان قدس، رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفویه است. صفویان، مشهد را تبدیل به بزرگ‌ترین شهر زیارتی ایران کرده و با تبلیغات مذهبی، موجب تشویق مسلمانان برای سفر به مشهد و زیارت حرم امام رضا علیه السلام شدند. برای توسعه حرم و رفع نیازمندی‌های زائران، تلاش‌هایی به صورت وقف، توسط شاهان صفوی و دولت‌مردان ایشان و افراد نیکوکار صورت گرفت. در برخی از متون تاریخی به این وقفیات اشاره شده و یا آنها را شرح داده‌اند، ولی به دلایل مختلف تعداد محدودی از وقف‌نامه‌ها و اسناد وقفی مربوط به آنها باقی مانده است. از جمله می‌توان به وقفیات شاه اسماعیل

۱. بنانی، صفویان، ص ۲۰۲.

۲. صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، ص ۴۰۲.

۳. بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۷۱۲.

۴. همان.

در اصفهان<sup>۱</sup> و شاه عباس<sup>۲</sup> اشاره کرد.

گسترده‌ی اوقاف آستان قدس، و اهمیت رسیدگی به امور مربوط به آن، سبب گردید ضمن ایجاد تشکیلات اداری خاص، مستنداتی نیز از اسناد تهیه گردد؛ و پس از صفویان نیز تنظیم فهرست‌ها و طومارها و کتابچه و کتاب‌ها ادامه یافت. از جمله طومار یا فرمان علیشاهی، اطلاعات قابل توجهی را درباره اوضاع موقوفات آستانه، به‌ویژه زمین‌های زراعی، مستغلات آسیاب‌ها، باغ‌ها، یخچال‌ها و ... با جریثات ذکر می‌کند.<sup>۳</sup> کتاب *موقوفات آستان قدس* تألیفات مرحوم حاج عبدالحمید مولوی (رئیس اداره املاک آستان قدس رضوی)، جامع‌ترین کتابی است که درباره موقوفات آستان قدس رضوی تألیف شده است. ولی تاکنون به چاپ نرسیده است.<sup>۴</sup>

تعداد قطعی اسناد مربوط به عهد صفویه موجود در آستان قدس رضوی، برآورد نشده است. اما احتمالاً نزدیک به ۶۰۰۰۰ برگ سند، مربوط به این دوره در آرشیو آستان قدس نگهداری می‌شود.<sup>۵</sup> برخی از وقف‌نامه‌های موجود در اینجا بررسی می‌گردد (جدول شماره یک).

از جمله وقف‌نامه‌های مهم این دوره متعلق به عتیق علی بن احمد بن ملک اسماعیل توسی الاصل اردوبادی، مشهور به خواجه عتیق منشی (از اعقاب خواجه نصیر توسی) است. او از منشیان دیوانی و خوشنویسان دوره صفویه است و در زمان شاه اسماعیل (۹۳۰ - ۹۰۶ ق) و شاه طهماسب (۹۸۴ - ۹۳۰ ق) از دولت‌مردان بوده است.

قاضی میر احمد منشی قمی در مورد او می‌نویسد: «خواجه عتیق منشی، از خطه اردوبادست بسیار پخته و کنده می‌نوشته و در انشآت نواب ... شاه اسمعیل ترقیات کلی نموده و طغرای شاهی را که اکنون همچنان در میانست، او پیدا کرده، بعد از استعفا از ملازمت متولی مشهد مقدس معلی مزکی شد و سال‌ها در آن عتبه علیه .... بسر می‌برد. عمارت عالی به‌جهت مقبره خود ساخته که آن مقبره در جنب مدرسه شاهرخی واقعست و رقبات خود را که در آنجا داشت، بر آن وقف نمود.»<sup>۶</sup>

براساس وقف‌نامه‌ای که از او باقی مانده (۹۳۱ ق) وقفیات او شامل ۲۱ رقبه، از جمله چند روستای شش دانگی بزرگ و مزرعه معروف به «کنه بیست» است (هم‌اکنون این مزرعه به یک مرکز بزرگ تولیدی

۱. هنرفر، آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۶۱ - ۳۶۰.

۲. شاملو، *قصص الخاقانی*، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۸۶.

۳. صفت‌گل، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه*، ص ۳۵۳ - ۳۴۹.

۴. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵.

سال نهم، ص ۱۲۸ - ۱۱۵؛ حسن‌آبادی، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، *کتاب ماه*

*تاریخ و جغرافیا*، ش ۷۱ - ۷۰، ۴۳ - ۳۵.

۵. همان، ص ۳۷.

۶. منشی قمی، *گلستان هنر*، ص ۴۶.



دامداری تبدیل شده است). اسناد این وقفیات در آستان قدس رضوی موجود است.<sup>۱</sup> طبق وقف‌نامه، وقفیات او برای مصرف بر «طعام فقرا و مساکین صادرین و واردین و مرضای غربا و روشنایی روضه مقدسه» حضرت رضا بوده است.<sup>۲</sup> خواجه علاء‌الدین حاجی، اولین واقفی است که در سال ۹۳۳ ق، مزرعه‌ای را در شهرستان تربت حیدریه، برای تأمین فرش حرم مطهر رضوی وقف آستان حضرت رضا علیه السلام کرد.

از وقف‌نامه‌های معروف این دوره وقف‌نامه «آب فرات» شاه طهماسب (۹۳۵ ق) است. این وقف‌نامه ابتدا در مجموعه خصوصی اسماعیل دولتشاهی نگهداری می‌شده است و هم‌اکنون در مجموعه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.<sup>۳</sup>

در این وقف‌نامه، شاه طهماسب تمامی نهر مجدد واقع در شهر حله از اعمال عراق عرب را بر «مشهدین مقدسین» در مشهد مقدس به نام مشهد غروی و حائری وقف کرده است.<sup>۴</sup> از دیگر واقفان آستان قدس می‌توان به سید لطیف شاه حسینی مازندرانی اشاره کرد که وقف‌نامه او در سال ۹۴۰ ق نوشته شده و سند وقف آن در آستان قدس رضوی موجود است.<sup>۵</sup> همچنین سید علی حسین گنابادی، که طبق وقف‌نامه او، در سال ۹۵۷ ق ملکی را در قریه زبید گناباد، وقف آستان قدس رضوی کرده است.<sup>۶</sup>

یکی از بانوان واقف در این دوره، بیگ آغا خانم است. این بانو، اهل قزوین بوده و قریه سلیمان‌آباد را در منطقه بشاریات قزوین، به آستان قدس رضوی وقف کرده است. عطاردی تاریخ این وقف‌نامه را ۹۹۷ ق و احمدی ۹۷۷ ق ذکر کرده است.<sup>۷</sup>

الله‌وردی خان از دیگر واقفان معروف آستان قدس است. او از چهره‌های نظامی - سیاسی دوره صفوی است، وی سردار مشهور شاه عباس و حاکم فارس بوده و در سال ۹۹۶ ق دهکده دوله را (در شمال مشهد مقدس) وقف بر «فقرای مجاورین ارض اقدس رضوی (مشهد) و زائران ... که صادرین و واردین روضه منوره

- 
۱. حسن‌آبادی، *متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه*، ص ۷۵؛ عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۸ - ۱۱۵.
  ۲. کریمیان، «دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد»، *کتاب ماه و جغرافیا*، ص ۸۶؛ سوزنجی کاشانی، «مهمانسرای رضوی از روزگار صفوی تا پایان دوره قاجاری»، *مندرج در: دفتر اسناد*، ج ۱، ص ۷۳.
  ۳. افشار، «وقف‌نامه آب فرات از عهد شاه طهماسب»، *فرهنگ ایران زمین*، ش ۱۴، ص ۳۱۸ - ۳۱۳.
  ۴. نوری، «گزارشی از اسناد وقف (مرکز اسناد فرایبورگ)»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۷۲، ص ۴۹.
  ۵. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۵۸ - ۵۶.
  ۶. عطاردی، *تاریخ آستان قدس رضوی*، ج ۲، ص ۶۳۲.
  ۷. همو، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۰؛ احمدی، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، *مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه*، ج ۱، ص ۲۷۰.

حضرت می‌باشند»، کرد.

الله‌وردی خان در حرم حضرت رضا علیه السلام مقبره‌ای مشهور به «گنبد الله‌وردی خان» را برای خویش در سال ۱۰۲۲ ق ساخت، در همان سال درگذشت و در مقبره مزبور دفن شده است. وی موقوفاتی برای مقبره خویش داشته که اکنون از تصرف وقف خارج شده است.<sup>۱</sup>

تولیت موقوفات (۹۹۶ ق) که با یکی از علمای عصر صفوی بوده، اکنون به اعقاب همان شخص تعلق دارد و از زمره موقوفات دایر و فعال شهر مشهد است.<sup>۲</sup>

از دیگر وقفیات این زمان، موقوفات شاه عباس در سال ۱۰۱۱ ق در زمین‌های اطراف حرم است. برخی از متون تاریخی به شرح اسناد مربوط به آن پرداخته‌اند.<sup>۳</sup> وقفنامه آن در آستان قدس رضوی (در دفتر بازخوانی شده اسناد) به ثبت رسیده است.

فرمانی به تاریخ ۱۰۱۹ ق در میان اسناد و مدارک موقوفات اداره موقوفات خراسان وجود دارد که مبنی بر خرید سه ملک، به اسامی «جرمق، چاهشک، ملکان» توسط شاه عباس اول و وقف آن بر مزار خواجه ربیع است. از میان این سه روستا، روستای چاهشک شناخته شده و در شمار رقبه‌های وقفی با سرپرستی دفتر موقوفات آستان قدس است.<sup>۴</sup>

طبق سند موجود، این سه روستا در سال ۸۲۳ ق توسط پریزاد خانم، وقف بقعه خواجه ربیع گردیده بود. فرمان خرید و وقف این سه روستا توسط شاه عباس در ذی‌الحجه سال ۱۰۱۹ ق نوشته شده است و در پشت آن، اثر مهر هفت گواه می‌باشد.<sup>۵</sup>

رونوشت سندی با تاریخ جمادی‌الاول ۱۰۲۳ ق به شماره ۱۳۴ - ع در مرکز اداره کل اوقاف خراسان موجود است که در آن شاه عباس «آب چشمه گل شب» (گلسب) را وقف آستان قدس کرده است.<sup>۶</sup> در میان اسناد وقفی موجود در آستان قدس رضوی، سندی از وقفیات شاه عباس با تاریخ ۱۰۲۳ ق وجود دارد<sup>۷</sup> و در لیست اسناد موجود در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس (در بند ۱۵)، سندی با عنوان وقف‌نامه نهرشاهی از چشمه گل به‌وسیله شاه عباس برای آستان قدس، با تاریخ ۱۲۰۳ ق، و شماره

۱. سیدی، سیمای تاریخی - نرمنگی شهر مشهد، ص ۹۱؛ عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۲.

۲. امیرشیبانیان، «سیمای وقف خراسان»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، ص ۲۰.

۳. شاملو، *قصص الخاقانی*، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۸۹.

۴. امیرشیبانیان، «سیمای وقف خراسان»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، ص ۲۶.

۵. سالک، «نگرشی بر نهادکنامه شاه عباس نخست صفوی و بازشناسی فرمانی از وی»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۸، ص ۷۱.

۶. همان، ص ۶۹.

۷. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۵۶.

اموالی ۱۲۴۱۲ موجود است.<sup>۱</sup>

از دیگر موقوفات معروف در مشهد می‌توان به موقوفات مهدی قلی بیگ، امیر آخور اشاره کرد. مهدی قلی بیگ، فرزند آقا علی خان جانی قربانی، که از سرداران شاه عباس اول صفوی و امیر آخور وی بوده در سال ۱۰۱۱ ق موقوفاتی را وقف بر طلبه و زوآر فقیر شهر مشهد کرده است. سپس حمامی به نام «حمام مهدی قلی بیگ» در محل چهار سوق بازار مشهد (مجاور مقبره امیر شاه ملک، مشهور به مسجد شاه) احداث کرد و قناتی برای تأمین آب آن حفر نمود. او موقوفات مهمی، از جمله دکان‌های مجاور حمام و قریه گازرگاه مشهد را در سال ۱۰۲۷ ق وقف بر قنات و حمام مزبور کرد، با این شرط که مازاد آب حمام به مسجد جامع گوهرشاد داده شود و سرریز آن، صرف زراعت در خارج شهر مشهد گردد؛ نیز قریه «پس پشته» مشهد را وقف بر نگهداری آب خیابان کرده است.<sup>۲</sup>

و هشت عشر درآمد حاصل از موقوفات حمام به «ادویه و اشربه شربت خانه و دارالشفای حضرت» اختصاص داشته است. (مرکز اسناد آستان قدس، وقف‌نامه ردیف ۱۹۵)<sup>۳</sup>

مهدی قلی بیگ در سال ۱۰۲۷ ق درگذشت و در حرم رضوی مدفون شد. در حال حاضر اثری از قبر او باقی نمانده است. سندی در مورد تاریخچه و گزارش موقوفه حمام شاه (حمام رضوی) از موقوفه مهدی قلی بیگ سردار و میراخور باشی شاه عباس، به تاریخ ۱۰۲۷ - ۱۰۱۱ ق و شماره اموال ۴۱۲۸ نیز در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وجود دارد.<sup>۴</sup> این حمام در سال ۱۳۸۵ به موزه مردم‌شناسی تبدیل شد. فرمانی از شاه سلطان حسین در مورد لزوم عمل به وقف‌نامه مزرعه پس پشته مشهد از موقوفات مهدی قلی بیگ، با تاریخ ۱۱۲۳ ق و فرمان دیگری با تاریخ ۱۱۲۵ در مورد اجاره املاک و قنات و حمام وقفی مهدی قلی بیگ جغتائی در آستان قدس رضوی وجود دارد.<sup>۵</sup>

گنجعلی خان زیگ معروف به «بابا پدر علی مراد خان» از حاکمانی است که دارای وقفیات قابل توجهی در شهرهای مختلف می‌باشد. گنجعلی خان در زمان شاه عباس، حاکم کرمان بود و پس از عزل، به حکومت قندهار منسوب شد. وقف‌نامه وی با تاریخ ۱۰۰۸ ق در آستان قدس وجود دارد.

«موقوفات سادات رضوی» در مشهد از اهمیت بسیاری برخوردار است. سادات رضوی، به علت انتساب به

---

۱. محبوب فریمانی، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۳۴.

۲. سیدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، ص ۱۰۲.

۳. فاضل هاشمی، «بیمارستان و دارالشفای حرم مطهر رضوی در آینه تاریخ»، شمس، دوره دوم، ش ۸ - ۷، ص ۶.

۴. محبوب فریمانی، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۳۳.

۵. معتقدی، گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی، ص ۲۷ و ۲۹.

امام رضا علیه السلام و برخورداری از قدرت مادی (موقوفات)، با استفاده از ارتباطات خویشاوندی و سیاسی خود با دربار صفویه، مناصبی چون صدارت، تولیت، نظارت آستان قدس، پیش‌نمازی، امام جماعت و ... را در اختیار خود گرفته و از موقعیت مذهبی، اجتماعی و سیاسی خاصی برخوردار شدند. موقوفات سادات رضوی در مشهد، بسیار گسترده بوده و تاکنون دایر می‌باشد. اغلب وقف‌نامه‌های مربوط به این موقوفات از بین رفته است، و فقط سواد وقف‌نامه از میرزا ابراهیم رضوی (وفات ۱۰۳۷) برادر اعیان میرزا ابوطالب ثانی (وفات ۱۰۵۵) باقی مانده است که بیشترین املاک را برای سادات رضوی وقف کرده است. این سواد وقف‌نامه از روی سواد دیگری نوشته شده است و محمد ابراهیم رضوی (وفات ۱۳۳۴)، فرزند میرزا محمد مجتهد رضوی و از نوادگان میرزا معصوم رضوی آن را مهر تأیید زده است.<sup>۱</sup> همچنین در وقف‌نامه‌ای که توسط میرزا ابراهیم، نوه میرزا ابوطالب در سال ۱۰۳۸ ق تنظیم شده، به هشت رقبه در اطراف مشهد اشاره شده است و در پایان سند، ۲۳ رقبه وسیع را وقف اولاد سادات رضوی ساکن مشهد نموده است. میرزا ابراهیم در سال ۱۰۴۲ ق (۱۰۴۷ ق) درگذشت و مقبره او در مجاور کوهسنگی قرار دارد. این موقوفه توسط متولی‌ای از اعقاب خود میرزا ابراهیم اداره می‌شود.<sup>۲</sup>

صفی قلی‌خان بیگلربیگی، فرزند رستم خان، سپهسالار ایران هفده باب دکان و دو باب قهوه‌خانه را وقف آستان قدس کرده است.<sup>۳</sup>

عباسقلی خان شاملو بیگلربیگی خراسان و حاکم هرات در زمان صفویه بود. وی در مشهد مقدس مدرسه‌ای بنا کرد که هنوز مورد استفاده طلاب علوم دینی می‌باشد. عباسقلی خان ۸۴ رقبه ملک و مستغلات وقف مدرسه کرده که در مشهد مقدس، جام، تایباد، هرات، فراه و بادغیس بوده‌اند. وقف‌نامه عباسقلی خان ۱۰۷۸ ق می‌باشد.<sup>۴</sup>

یکی دیگر از وقف‌نامه‌های موجود (وقف‌نامه شماره ۵۷ اداره کل اوقاف خراسان) متعلق به یکی از علمای معروف این دوره به نام محقق سبزواری است. محقق سبزواری سرآمد علمای عصر خود بود و با شاه عباس اول (۱۰۳۸ - ۹۹۶ ق)؛ شاه صفی اول (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ق)؛ شاه عباس دوم (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ق)؛ شاه سلیمان

۱. حسن‌آبادی، «معرفی طوماری از علامه مجلسی درباره موقوفات سادات رضوی در مشهد»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۵۳، ص ۱۰۰ - ۸۵.

۲. سیدی، «نگاهی به وقف‌های اولاد سادات رضوی مشهد»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۹۸ - ۸۵.  
 ۳. تاریخ این وقف‌نامه توسط عطاردی ۱۰۷۲ ق و احمدی ۱۰۷۶ ق ذکر شده است. (عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۱۸؛ احمدی، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، *مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه*، ج ۱، ص ۲۷۰.

۴. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، *وقف میراث جاویدان*، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۰.

اول یا شاه صفی دوم (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق) هم‌زمان بوده است. او در زمان شاه عباس دوم، امامت جمعه و جماعت و منصب شیخ‌الاسلامی را به عهده داشت. او از اساتید سید نعمت‌الله جزایری بوده است.<sup>۱</sup> ملا محمدباقر خراسانی (محقق سبزواری) طبق وقف‌نامه تاریخ ۱۰۸۳ ق، تعداد ۲۷ دکان را بر مدرسه‌ای در مشهد وقف نموده است.<sup>۲</sup>

از مرتضی قلی بک، وقف‌نامه‌ای با تاریخ ۱۰۸۲ ق وجود دارد. او در میان ولایت مشهد، باغو معروف به کلاته مؤذنان را وقف روضه رضویه نموده و مقرر داشته، درآمد آن را خرج مؤذنان آستان قدس کنند.<sup>۳</sup> سعدالدین محمد، وزیر خراسان در عهد شاه سلیمان صفوی، از دیگر واقفانی است که وقف‌نامه او موجود است. او در سال ۱۰۸۷ ق مدرسه‌ای در پائین پای حضرت رضا علیه السلام به نام مدرسه پائین پا یا «سعديه» احداث کرد و در همان سال، رقبات مهمی را وقف آن کرد. موقوفات این مدرسه که عموماً در تصرف آستان قدس رضوی است، عبارتند از: مزرعه «اله تیمور» واقع در شمال مشهد، که اکنون به شهر پیوسته است، بخشی از مزرعه «نسا یا آصف آباد جزد»، و یک تیمچه در مجاور مدرسه. مدرسه پائین پا در عهد پهلوی اول تخریب و تبدیل به سالن تشریفات و صحن موزه آستان قدس شده است. مدرسه بالا سر هم پس از انقلاب تخریب و تبدیل به رواق دارالولایه گردیده است. مقبره سعدالدین که در مجاور مدرسه پایین پا قرار داشته تا اوایل قرن حاضر پا برجا بوده و از آن پس، به سبب تخریب مدرسه تسطیح و محو شده است.<sup>۴</sup> او همچنین شش دانگ از رقبات، شامل تعدادی باغ و منزل و محوطه را در گود سلوک (بر سر راه سرخس و طرُق) وقف آستان قدس کرد و مقرر نمود عایدات آن، صرف اجرت ساعت‌ساز حرم حضرت رضا علیه السلام شود.<sup>۵</sup> وقف‌نامه آن با تاریخ ۱۰۸۷ ق در آستان قدس رضوی موجود است.<sup>۶</sup> همچنین وی در وقف‌نامه دیگری در سال ۱۰۹۳ ق، موقوفات دیگری را وقف بر روشنایی حرم حضرت رضا علیه السلام کرده است. میرزا شاه تقی‌الدین محمد رضوی از دیگر واقفان است. او در سال ۱۰۸۸ ق سه باب دکان واقع در پائین پای مبارک و یک تیمچه و دو باب دکان در محله عیدگاه، در جنب تیمچه چیت‌گران، وقف آستان قدس کرده بود.<sup>۷</sup>

۱. همایونفرخ، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، هنر و مردم، دوره ۷-۴، ش ۶۶، ص ۳۳.

۲. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۶۲-۴۱.

۳. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶-۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

۴. سیدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، ص ۱۲۰.

۵. عطاردی، تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۶. احمدی، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، دوره دوم، ش ۴۰، ص ۵۹.

۷. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶-۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

وقفنامه‌ای با تاریخ ۱۰۹۶ ق از آقا کافور (خزانه‌دار) وجود دارد. آقا کافور یکی از خواجگان حرم‌سرای شاه عباس دوم بوده است. شاردن او را نگهبان جواهرات و خزائن پادشاه معرفی کرده است. ولی در تنها کتیبه‌ای که از او، در مدرسه آقا کافور در اصفهان، برجا مانده معلوم می‌کند که او صاحب جمع خزاین عامره بوده است.<sup>۱</sup> همچنین وقفنامه‌ای با تاریخ ۱۰۹۷ ق از شاهوردی خان وجود دارد. در دوران پادشاهی شاه سلیمان (۱۰۷۳ - ۱۰۴۵ ق)، بنای توحید خانه (در پشت عمارت عالی‌قاپو در اصفهان) محل گرد آمدن امیران برای انتخاب بعضی از کارگزاران رده بالا بوده است. از جمله شاهوردی خان، که به وزارت کرمان برگزیده شد.<sup>۲</sup>

محمد حسین کرمانی (محمد صالح معروف به مکرمات خان ابن خواجه حسین کرمانی)، در سال ۱۰۹۶ ق سه ربع از کنوگیر، و شش دانگ سمرقند و کلاته بوغا و نصف عوضی و شش دهم زیرکن را وقف روضه مبارکه کرده است.<sup>۳</sup> محمد صالح قزوینی (حاج محمد صالح) نیز در سال ۱۱۰۵ ق یک دربند دکان شمعی‌ریزی، واقع در حاشیه میدان مشهد مقدس، وقف روضه رضویه نموده است.<sup>۴</sup>

شاه سلطان حسین در یکی از سفرهای خود به مشهد مقدس رضوی، چند قطعه ملک را خریداری کرد و وقف آستان مقدسه نمود. آن املاک عبارتند از: عشرت آباد، علی آباد و ابراهیم آباد. این وقفنامه به خط میرزا احمد نیریزی، خطاط معروف نوشته شده است و در کتابچه‌ای نفیس، شامل دو وقفنامه در ۴۴ ورق، به تاریخ ۱۱۱۹ ق به خط ثلث با شماره عمومی ۵۸۳۲ در ردیف مرقعات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی ثبت شده است. ابتدای هر دو وقفنامه ناقص می‌باشند و در وقفنامه اول، ۲ مزرعه و قنات با ذکر عواید و اخراجات معین و موارد مصرف مشخص وقف شده که در انتها با متن تسجیل علما و صاحب‌منصبان دربار شاه سلطان حسین صفوی خاتمه یافته، و در وقفنامه دوم نیز چندین مزرعه و قنات و دو حجره طاحونه (آسیاب) با شرح عواید و اخراجات مزبور آن و موارد مصرف، با تاریخ تحریر و کتابت یکسان مندرج است.<sup>۵</sup>

محمود بیکا یکی از ناظران بیوتات آستان قدس بود. او در سال ۱۱۲۰ ق شش دانگ از روستای محراب خان را وقف آستان قدس نمود، و مقرر داشت درآمد آن را صرف تعلیم و تعلم ایتم سادات نمایند و شرط کرده همه‌ساله دو دست لباس و دو زیرجامه و دو کلاه و یک شال کمر به آنان داده شود<sup>۶</sup> از جعفر قلی میرشکارباشی

۱. صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، ص ۳۷۸ - ۳۷۷.

۲. همان، ص ۵۵۲.

۳. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

۴. همان، ص ۱۲۵.

۵. قصابیان، «دو وقفنامه دیگر از شاه سلطان حسین صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۵، ص ۲۲.

۶. عطاردی، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال نهم، ص ۱۲۴.

وقف‌نامه‌ای با تاریخ ۱۱۲۵ ق وجود دارد. او در مشهد مقدس آسیابی ساخت. این آسیاب با آب نهر بالا خیابان که از چشمه کلاس، به طرف مشهد جریان داشت کار می‌کرد، و تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی دایر بود.<sup>۱</sup> ابوالحسن صاحب نسق نیز از کارگزاران آستان قدس رضوی بوده است. وی در سال ۱۱۲۹ ق نصف قریه شیرین در زاب را وقف ایتم سادات نمود. همچنین محمد مؤمن وزیر (میرزا محمد مؤمن)، در سال ۱۱۳۶ ق شش دانگ موقوفه جمع آباد را وقف مقبره شاه طهماسب صفوی که در رواق شمالی حرم مطهر دفن است نمود.<sup>۲</sup>

### وقف‌نامه‌های بقعه شیخ صفی‌الدین (اردبیل)

پیروان و مریدان شیخ صفی‌الدین، از طرق مختلف، ارادت خود را به شیخ صفی ابراز می‌کردند. یکی از این راه‌ها که سبب توسعه بقعه نیز گردید، وقف اموال و املاک بسیار بود. در نتیجه تملیک و وقف تعداد بی‌شمار املاک، برای آستانه شیخ صفی، تعداد بسیاری از اسناد، قباله‌جات و وقف‌نامه و سوابق املاک و صورت حساب‌های خرید املاک و ... در کتابخانه آستانه گرد آمده بود.<sup>۳</sup>

در زمان برخی از شاهان صفویه، به‌ویژه شاه طهماسب و شاه عباس، برای ایجاد نظم و ترتیب در املاک و جلوگیری از پراکندگی و همچنین رسیدگی به درآمد و عواید آنها، توجه خاصی به تنظیم و تدوین این اسناد گردید. طبق سند ش ۲۶۳ موجود در بقعه شیخ صفی، شاه طهماسب انجام این کار مهم را به عبدی بیگ واگذار کرد.<sup>۴</sup> مجموعه نسخ خطی، تحت عنوان «صریح الملک» یا «سواد وقف‌نامه شیخ صفی» (شامل پنج نسخه که در موزه ملی ایران و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود)،<sup>۵</sup> و «کتاب املاک وقف سلاطین صفویه» و کتابچه موقوفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی «رونوشت اسناد خرید و وقف تعداد قابل توجهی اموال غیر منقول از جمله ده، قریه، زمین‌های کشاورزی، باغ، دکان، خانه، کاروان‌سرا، حمام و ... در تبریز و اردبیل و دیگر شهرها توسط افراد مختلف، برای بقعه می‌باشند»<sup>۶</sup>

پس از تصرف اردبیل توسط عثمانی‌ها (۱۱۳۷ ق)، دفتر موقوفات توسط آنها به تحریر درآمد که شامل دفتر شماره ۸۹۶ (تمام شروط و شرایط موقوفه) و تحریر مفصل ۹۰۲ (در ارتباط با موقوفه) است که در میان دفاتر تحریر مالیاتی آرشیو عثمانی نخست‌وزیری در استانبول قرار دارد.<sup>۷</sup> مجموعه باقی‌مانده از این اسناد در

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. اختری، «گنجینه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، کانون، دوره جدید، ش ۱۴، سال ۴۳، ص ۱۳۱؛ شیخ‌الحکمایی، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۲۶ - ۲۰.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان، ج ۲، ص ۲۱۰ - ۲۰۹.

۶. آل‌داوود، «فهرست موقوفات بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، دوائر نویافته، گزارش میراث، دوره دوم، ش ۴۶، ص ۵، ص ۷۲.

۷. سانی بیلیگی، «موقوفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی براساس دفاتر تحریر دولت عثمانی»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۳، ص ۱۰۴.

ایران، شامل حدوداً هشتصد فقره سند کامل و پاره سند است، که توسط گوتفرد هرمان<sup>۱</sup> کشف شد و کهن‌ترین مجموعه اسناد فارسی و عربی، شناخته شده دوره اسلامی ایران است.<sup>۲</sup> قسمت اصلی مجموعه بازمانده (حدود ششصد سند) اکنون در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. همچنین بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه (بیش از ۱۰۰ سند)، و بقعه شیخ صفی (۴۰ سند)، و موزه آذربایجان (تبریز) از دیگر مراکز مهم نگهداری این اسناد می‌باشند.<sup>۳</sup>

در کتاب چینی‌ها و اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی تعداد ۹۰ سند موجود در بقعه شیخ صفی، شامل مباحثه‌نامه و کالت‌نامه، عریضه و ... در جدولی فهرست شده است که در میان آنها وقف‌نامه‌ای از دوره صفوی وجود ندارد.<sup>۴</sup> همچنین تعداد دیگری از اسناد بقعه، در سازمان اسناد ملی، و برخی مجموعه‌های خصوصی پراکنده شده است.

در بین مجموعه اسناد بقعه شیخ صفی در موزه ملی، وقف‌نامه‌هایی وجود دارد که تاریخ آنها قبل از دوره صفوی است. از جمله وقف‌نامه‌های با تاریخ ۵۴۴ ق، ۶۴۹ ق، ۷۱۷ ق، ۷۴۳ ق، ۷۶۶ ق، ۸۱۱ ق و تعداد محدودی از آنها را نیز وقف‌نامه‌های دوره صفویه تشکیل می‌دهد (جدول شماره دو). که عبارتند از: وقف باغ انگور معروف به مادلی، در محل مشمشه نار یافت آذربایجان، توسط نارین خاتون بنت حسین [بن] ... امیر احمد دربیگی در تاریخ ذی‌القعدة ۹۱۴ (شماره سند ۲۵۷۰۷)، وقف باغی در قریه طسوج ارونق تبریز توسط میرزا علی بن استاد محمود بن پیره احمد شاه طسوجی در تاریخ رمضان ۹۴۲ (شماره سند ۲۵۷۱۴)، مباحثه‌نامه و وقف‌نامه با مضمون خرید نهر مشهور به شاهزاده بیگم از املاک پری خان خانم مشهور به شاهزاده بیگم واقع در خسروآباد سالیان. این اسناد توسط غازی خان در تاریخ محرم ۹۵۰ ق خریداری و در رمضان همان سال بر زاویه شیخ صفی وقف کرده است (شماره سند ۲۵۷۲۴)، وقف باغ نورقلی در قریه قوهه ساوج بلاغ توسط شاه وردی بیگ کنگرلوین آیدی خلیفه - برای مزار شاه اسماعیل صفوی - در تاریخ ذی‌القعدة ۹۵۰ (شماره سند ۲۵۷۳۳)، وقف باغی در سفید دشت علیا توسط حمزه بیگ بن یار احمد آقا در تاریخ رمضان ۹۶۰ (شماره سند ۲۵۷۳۴)، وقف قطعه زمینی در اردبیل خارج از درب نیار در محله یعقوبیه توسط نظام‌الدین سید نعمت‌الله صفوی با تاریخ شوال ۹۶۵ (شماره سند ۲۵۷۳۵)، وقف چند خانه جنب آب انبار و حواجی خانه آستان شیخ صفی، توسط علی قلی سلطان موسیلو در تاریخ ذی‌الحجه ۹۹۸ (شماره سند ۲۵۷۳۷)، وقف مزرعه امیره هیری امستان مازانکوه آذربایجان، محدود به قراء نقله شین و قریه رکان و هفت چشمه، توسط امیره محمد

1. G. Herrmann.

۲. رضایی، «تجدید وقف‌نامه»، وقف میراث جاویدان، ش ۱، ص ۴۵؛ شیخ‌الحکمایی، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۱۷۵.

۴. نعمتی، چینی‌ها و اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۶۷ - ۶۲.



شاه بن امام قلی امستانی در تاریخ ۱۰۲۱ ق (شماره سند ۲۵۷۴۳)، وقف مزرعه آسمان دشت خلخال توسط نعمت‌الله بن خلیل‌الله خلخالی در تاریخ رجب ۱۰۳۶ ق (شماره سند ۲۵۷۵۲).<sup>۱</sup>

در بین اسناد فهرست‌شده در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف نیز وقف‌نامه‌ای متعلق به قبل از دوره صفویه با تاریخ ۷۴۰ ق وجود دارد. و وقف‌نامه‌های دوره صفویه عبارتند از وقف سهامی از قریه میرعلی توسط واقفان، بهلول بن قوام‌الدین بن محمد و قوچ احمد بن احمد بن حاجی محمد و شاه ولی بن علی بن نظام، به آستانه شیخ صفی در تاریخ ربیع‌الاول ۹۱۲ (شماره پرونده ۱۲۲)، وقف سهامی از قریه خیابو توسط امیر زین‌الدین علی حسینی استرآبادی به وکالت امیر کوچک سلطان قجاربا تاریخ ۹۵۵ (شماره پرونده ۱۲۳)، وقف قریه کمشکان توسط امیر زین‌الدین علی حسینی استرآبادی به وکالت امیر کوچک سلطان قجار با تاریخ ۹۵۵ (شماره پرونده ۳۰)، وقف قطعه زمینی در درب نیار، از جمله باغ جمال‌الدین باغبان، توسط نظام‌الدین سید یعقوب بن سید نعمت‌الله صفوی در تاریخ شوال ۹۶۵ (شماره پرونده ۱۷۳)، وقف مزرعه کرکه شا توسط واقف ملک میرزا بیگ بن سیفلی بیگ چوپانی معانی در تاریخ محرم ۹۶۶ (شماره پرونده ۵۰)، وقف قریه کرم کورس و دو مزرعه شیرین بلاغ و کوربلاغ توسط سید حیدر بن سید نعمه‌الله صفوی در تاریخ محرم ۹۷۶ (شماره پرونده ۸)، وقف قریه حانیم کندی توسط هدایت بیگ بن ... آقا و عسگر بیگ بن علی بیگ اوستاجلو بر آستانه شیخ صفی در تاریخ ۱۰۲۲ (شماره پرونده ۷۳) و وقف سهامی از مزرعه پالو طلو توسط خلیفه صفی قلی بن خلیفه شاه قلی در تاریخ ۱۰۵۷ (شماره پرونده ۱۱۹) و وقف‌نامه (رونوشت) وقف شش دانگ قریه خاکوانق درنار تومان مشکین توسط بیرم بگ بن علی قلی بگ به آستانه شیخ صفی در تاریخ ۱۱۰۲ (شماره پرونده ۱۷۱).

در بین اسناد، چند اقراریه به وقف نیز وجود دارد که عبارتند از: اقرارنامه (اقرار به مباحه و وقف) شامل اقرار به خرید سهامی از قریه الارق با تاریخ ۹۴۵ و اقرار خریدار به وقف این املاک بر زاویه شیخ صفی به تاریخ ۹۴۶ (شماره پرونده ۲۷)، اقرارنامه با تاریخ ۹۴۷ اقرار به وقف قریه پیره سراو مازو از توابع آستاره از ناحیه مزکیل برای بقعه شیخ صفی (شماره پرونده ۱۱۴) و اقرارنامه با تاریخ ۱۰۰۸ اقرار به وقف بودن سهامی از مزرعه علی‌آباد بر آستانه شیخ صفی (شماره پرونده ۱۲۶).<sup>۲</sup>

همچنین وقف‌نامه زمینی در اردبیل، به تاریخ ۱۵ شعبان ۹۵۱ ق، که امیر جلال‌الدین معصوم بیگ صفوی، متولی آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی از مالکان آن خریده و داخل موقوفات زاویه آستان شیخ صفی کرده، در آرشیو نسخ خطی ابروان وجود دارد.<sup>۳</sup>

۱. شیخ‌الحکمایی، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۱۳۵ - ۳.

۲. همان، ص ۸ - ۱۸۶.

۳. نوری و نصر، «گزارشی از اسناد وقف (مرکز اسناد فرایبورگ)»، میراث جاویدان، ش ۷۲، ص ۴۵.

## موقعیت اجتماعی واقفان

برخی از واقفان صاحب منصب، از شهرت اجتماعی، سیاسی، اداری، مذهبی و نظامی برخوردار بودند، و نام آنها در زمره افراد نامدار تاریخ برده شده است. مانند خواجه عتیق منشی، محقق سبزواری، اللهوردی خان، گنجعلی خان و ... .

ولی آگاهی از شرایط و موقعیت اجتماعی اقشار مختلف مردم، از جمله افراد و خانواده‌های بانفوذ و صاحب‌نام و یا مالکان بزرگ محلی، که در وقف سهم بسزایی داشته‌اند، بسیار دشوار و یا غیر ممکن می‌باشد. سوابق خانوادگی و فعالیت‌های اجتماعی اغلب آنها مکتوب نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است و در طول تاریخ با انجام تغییرات اجتماعی، اسامی بسیاری از آنها از حافظه محلی پاک شده و در خاطر کمتر کسی محفوظ مانده است.

اغلب اسامی واقفان، با القاب و انساب و گاه پیش‌نام‌هایی همراه است. گاه انتساب آنها را به شهر، خانواده و حرفه‌ای را مشخص می‌کند.

توجه به مفاهیم و کاربرد این واژه‌ها - که از پیشینه تاریخی برخوردار می‌باشند - می‌تواند تا حدودی در شناسایی موقعیت اجتماعی این افراد مؤثر باشد. برخی از این واژه‌ها عبارتند از: بیگ، که در زبان ترکی پیشینه‌ای کهن دارد، به معنای رئیس طایفه یا قبایل کوچک، کارگزار نظامی و اداری خاقان و لقب دولت‌مردان و اشراف‌زادگان بوده است. در زمان صفوی، سلاطین عنوان شاه را برای خود برگزیدند و به بزرگان حکومت، لقب سلطان و خان دادند. در نتیجه بیگ (بگ) اهمیت پیشین خود را در ایران از دست داد و عنوان تشریفاتی افراد قزلباش شد و این عنوان از پدر به پسر انتقال می‌یافت.

بیگم: (شاهزاده خانم)، زنی منسوب به خانواده اصیل بوده است. به ملکه، خاتون و امیرزاده نیز گفته می‌شده، در دوره صفویه لقب مخصوص زنان درباری بوده است.<sup>۱</sup>

بیگلر (بیگ و لر) به معنی امرا و بزرگان شهر. و بیگلر بیگی: این عنوان در ایران کاربرد چندانی نداشت، بلکه ترکمانان آناتولی که بیشتر هواخواهان و لشکریان و امیران دولت صفوی را تشکیل می‌دادند، آن را به همراه آوردند و ظاهراً از دوره فرمانروایی شاه طهماسب (۹۵۰ ق) در ایران کاربرد یافت و به عنوان حاکم، امیرالامرا و فرمانده نظامی بود. در زمان صفویه، اداره کشور برعهده ۴ والی و ۱۳ بیگلربیگی و نیز خوانین و سلاطین فرودست این گروه بوده است. این عنوان موروثی نبوده، ولی گاه فرزندان بیگلربیگیان به وسیله پادشاه به جای آنان گمارده می‌شدند.<sup>۲</sup>

پیره (پیر): در لغت‌نامه دهخدا پیره و پیر را چنین تعریف کرده است: «قائم‌مقام و خلیفه و مرشد. خلیفه و

۱. موسوی بجنوردی، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۳، ص ۴۲۲.

۲. همان، ج ۹، ص ۴۴۸.

جانشین مشایخ و ارباب طریقت و خانقاه‌نشین باشد. (برهان). خلیفه، مشایخ و ارباب طریقت را گویند.<sup>۱</sup> آغا (کلمه ترکی به معنی خاتون، بیگم، خانم)، خواجه (آقا، کدخدا، بزرگ)، میرزا (مخفف میرزاده یا امیرزاده، از القاب شهزادگان)، خان (رئیس، امیر، خواجه)، خانم (زن خان)، خادم (خواجه‌سرایانی که در حرم‌سرا و ابواب سلاطین و امرا خدمت می‌کنند)، صاحب نسق (لقبی مانند کدخدا، داروغه و امثال آن بوده است). همچنین به کار رفتن برخی از اسامی مانند «نعمت‌الله» نیز احتمالاً متأثر از دیدگاه اعتقادی افراد و وابستگی آنها به طریقت خاص نعمت‌اللهی بوده است. شاه نعمت‌الله از اقطاب و عرفای سده هشتم و نهم هجری است و در طریقه تصوف، مؤسس سلسله مشهور نعمت‌اللهی است. با پیوند خانوادگی اولاد نعمت‌الله با خاندان سلطنت صفوی، آنها در جامعه صوفی‌گری آن زمان از جایگاه خاصی برخوردار شدند.

## نتیجه

بررسی اسناد وقفی موجود از دوره صفویه، گسترش قابل توجه وقف، به‌ویژه در دوره میانی حکومت صفویان را نمایان می‌سازد. تثبیت حکومت مرکزی، رسمیت یافتن مذهب تشییع و امنیت اجتماعی - اقتصادی حاکم در این زمان، از عوامل مؤثر در ایجاد بستری مناسب برای گسترش وقف بوده است.

عدم وجود منابع و اطلاعات دقیق در مورد طبقات اجتماعی دوره صفویه، و پراکندگی اسناد وقفی و وقف‌نامه‌ها، در این دوره و عدم دسترسی به بسیاری از آنها موجب گردیده بررسی برای آگاهی یافتن از طبقه اجتماعی واقفان محدود به مستندات تاریخی گردد. براساس وقف‌نامه‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفت، نمایان می‌کند که توجه خاص شاهان صفوی به تثبیت مذهب شیعه و اثرات این اقدام در امور سیاسی و حکومتی موجب گردید که در میان واقفان آستان قدس، طبقه حاکم (شاهان، درباریان، صاحب منصبان اداری و نظامی و به‌طور کلی وابستگان حکومتی) نقش اساسی داشته باشند. آنان با اتکا به اعتقادات مذهبی خود، با ایجاد وقفیات بزرگ برای یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های مذهبی (آستان قدس) که همواره مورد توجه مسلمانان بوده، در جلب حمایت مردم و در نتیجه تحکیم قدرت سیاسی خود گام مؤثری برداشتند.

تغییرات در تشکیلات اداری و نحوه مدیریت آستان قدس در این دوره، به‌تدریج منجر به شکل‌گیری قشر خاصی در میان طبقات اجتماعی خراسان گردید. بررسی وقف‌نامه‌های موجود، نشانگر آن است که پس از طبقه حاکم، این گروه نقش قابل توجهی در موقوفات آستان قدس داشته‌اند که شامل صاحب‌منصبان آستان قدس، از جمله متولیان، کارگزاران، ناظران بیوتات و ... بوده است.

وقف اموال غیر منقول برای آستان قدس، از گستردگی قابل توجهی برخوردار است. اشراف و مالکان بزرگ منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای سهم به‌سزایی در این‌گونه وقفیات داشته‌اند.

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۴، ص ۶۸۴.

با توجه به موقعیت اجتماعی واقفان، انگیزه‌های متفاوتی برای انجام عمل وقف وجود داشته است؛ از جمله کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و یافتن اعتبار دنیوی، مصون نگه داشتن اموال از مصادره از طریق متولی قرار دادن خود و اقوام نزدیک خود و ... واقفان با استفاده از منابع اقتصادی سرشاری که از عایدات موقوفات در اختیار داشتند، در ایجاد ارزش‌های جدید اجتماعی، و گسترش فرهنگ وقف در این دوره نقش بسیار مؤثری را ایفا نمودند.

اشاعه دیدگاه‌های مذهبی و صوفی‌گری شیخ صفی، در نقاط مختلف و جلب بسیاری از مردم در اقشار مختلف جامعه، سبب گسترش هرچه بیشتر موقوفات بقعه شیخ صفی گردید. بررسی وقف‌نامه‌ها و اسناد مربوط به موقوفات، در آستانه شیخ صفی نشانگر آن است که در این دوره در میان واقفان، کمتر نام پادشاهان صفوی یا دولت‌مردان مشهور به چشم می‌خورد. با توجه به اسامی واقفان به نظر می‌رسد اغلب آنها، پیروان و میردانی از طبقات اجتماعی مختلف از حاکمان و افراد قدرتمند سیاسی - اجتماعی محلی و منطقه‌ای گرفته تا سایر اقشار مردم چون پیشه‌وران، تجار و زنان و ... بودند. این افراد هرچند از شهرت محلی و منطقه‌ای برخوردار بودند، ولی به‌ندرت می‌توان در میان منابع تاریخی، نشانی از آنها یافت.

علی‌رغم اینکه پادشاهان صفوی نیای خود را شیخ صفی می‌دانستند، به‌نظر می‌رسد نقش کمتری در ایجاد وقفیاتی برای آستانه شیخ صفی داشتند. هرچند که در صریح‌الملک، عبدی بیک بخشی از کتاب را به وقفیات شاه اسماعیل اختصاص داده است. ولی از وقفیات شاهان دیگر به‌ویژه در زمینه اموال غیر منقول اخبار کمتری وجود دارد و بیشتر وقفیات بزرگ آنها متوجه اصفهان، مشهد بوده است. وقفیات بزرگ همواره با برخی ملاحظات سیاسی و حکومتی توأم بوده است. با توجه به دیدگاه‌های مذهبی شیخ صفی، که پیروان بسیاری را به‌دنبال داشت. به‌نظر می‌رسد وقفیات شاهان صفوی به بقعه، متأثر از ملاحظات سیاسی و حکومتی بوده است. با وجود دیدگاه‌های خاصی که در مورد صوفی‌گری و به تبع آن وقفیات خانقاهی در این زمان وجود داشت، ولی برخورد مقابله‌گرایانه‌ای در قبال آستانه شیخ صفی صورت نگرفته و برخی از پادشاهان در توسعه آستانه نیز اقدامات ماندگاری را انجام دادند و توجه خاص به آستانه شیخ صفی داشته‌اند.

در نتیجه وقف طبقه حاکم (به‌طور کلی) و شاهان به‌طور خاص، به یکی از بزرگ‌ترین مراجع مذهبی مسلمانان (آستان قدس رضوی) و حمایت آنها از امور وقف به یکی از مهم‌ترین مراکز خانقاهی (آستانه شیخ صفی)، ضمن مشارکت و همراهی با این مراکز، هدایت امور مذهبی و صوفی‌گری و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن توسط این طبقه، را در قالب یکی از سنت‌های مهم اسلامی یعنی وقف به‌دنبال داشته است.

## منابع و مأخذ

۱. احمدی، نزهت، «تشیع و وقف در عصر صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، دوره دوم،

ش ۴۰، اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهار ۱۳۸۴، ص ۶۲ - ۴۱.

۲. \_\_\_\_\_، «زنان واقف در پایتخت صفوی»، مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه، به اهتمام مرتضی دهقان‌نژاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۴ - ۲۶۰.
۳. اختری، محمدعلی، «گنجینه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، کانون، دوره جدید، ش ۱۴، سال ۴۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ص ۱۳۶ - ۱۲۵.
۴. افشار، ایرج، «وقف‌نامه آب فرات از عهد شاه طهماسب»، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۴، ۶ - ۱۳۴۵، ص ۳۱۸ - ۳۱۳.
۵. آل‌داوود، سید علی، «فهرست موقوفات بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، دو اثر نویافته، گزارش میراث، دوره دوم، ش ۴۶، س ۵، مرداد و شهریور ۱۳۹۰، ص ۷۵ - ۷۲.
۶. امیرشیبانیان، عبدالرضا، «سیمای وقف خراسان»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، پائیز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۳۸ - ۲۵.
۷. بنانی، امین و ...، صفویان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۰.
۸. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح علی‌اکبر فیاض، با مقدمه جلال متینی، مشهد، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۶.
۹. ترکمان، اسکندربیک، تاریخ عالم‌آرای عباسی، با اهتمام ایرج افشار، تهران، مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۱۰. حسن‌آبادی، ابوالفضل، «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۱ - ۷۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۲، ص ۴۳ - ۳۵.
۱۱. \_\_\_\_\_، «معرفی طوماری از علامه مجلسی درباره موقوفات سادات رضوی در مشهد»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۳، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۰۰ - ۸۵.
۱۲. \_\_\_\_\_، «متولیان آستان قدس در دوره صفویه و افشاریه»، به کوشش زهرا طلایی، دفتر اسناد، مدیریت امور اسناد و مطبوعات، ج ۲ و ۳، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها و موزه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳ - ۷۳.
۱۳. دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸.
۱۵. رحیمی، مرتضی، «وقف در قرآن»، میراث جاویدان، ش ۴۵، سال دوازدهم، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۵ - ۲۹.
۱۶. رضایی، امید، «تجدید وقف‌نامه»، میراث جاویدان، ش ۱، سال دهم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶ - ۱۳۱.
۱۷. زرین‌باف شهر، فریب، «فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارت‌گاه شهر اردبیل»، ترجمه محمد مروار، نامه تاریخ‌پژوهان، ش ۳، پاییز ۱۳۸۴.

- ۶۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۴، پاییز ۹۲، شماره ۱۲
۱۸. سالک، محمدتقی، «نگرشی بر نهاد کنامه شاه عباس نخست صفوی و بازشناسی فرمانی از وی»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۸، سال پانزدهم، تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۱ - ۶۹.
۱۹. سنائی بیلگیلی، علی، «موقوفات شیخ صفی‌الدین اردبیلی براساس دفاتر تحریر دولت عثمانی»، ترجمه علیرضا مقدم، میراث جاویدان، ش ۷۳، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷ - ۱۰۱.
۲۰. سوزنجی کاشانی، علی، «مهمانسرای رضوی از روزگار صفوی تا پایان دوره قاجاری»، دفتر اسناد، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۲۱. سیدی، مهدی، «نگاهی به وقف‌های اولاد سادات رضوی مشهد»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، سال ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۸ - ۸۵.
۲۲. سیدی، مهدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، با همکاری اشرف‌السادات میرکمالی، مشهد، شهرداری مشهد، معاونت فرهنگی - اجتماعی، ۱۳۸۲.
۲۳. شاملو، قلی، قصص الخاقانی، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۴. شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، «فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۴ - ۳۳، س ۹، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۹۲ - ۱۷۵.
۲۵. \_\_\_\_\_، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (موجود در موزه ملی، سازمان اوقاف، کتابخانه ملی تبریز، بقعه شیخ صفی و ...)، تهران، کتابخانه، موزه و مراکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۶. صفت گل، منصور، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفویه، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۲۷. عطاردی، عزیزالله، «منابع موقوفات آستان قدس رضوی و فهرست واقفان مشهد مقدس»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶ - ۳۵، س ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۲۸ - ۱۱۵.
۲۸. \_\_\_\_\_، تاریخ آستان قدس رضوی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۹. فاضل هاشمی، سید محمدرضا، «بیمارستان و دارالشفاء در حرم مطهر رضوی در آینه تاریخ»، شمس، دوره دوم، ش ۷ - ۸، تابستان و پائیز ۱۳۸۹، ص ۲۳ - ۱.
۳۰. فوران، جان، مقاومت‌شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۳۱. فیگوترا، دن گارسی، سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.

۳۲. قصابیان، محمدرضا، «دو وقف‌نامه دیگر از شاه سلطان حسین صفوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۵، ص ۴۰-۱۹.
۳۳. کریمیان، علی، «دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد»، کتاب ماه و جغرافیا، مهر ۱۳۸۷، ص ۹۹-۸۶.
۳۴. \_\_\_\_\_، «موقوفات آستان قدس رضوی در افغانستان آسیای میانه و قفقاز»، گنجینه اسناد، ش ۵۰-۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ص ۸۹-۷۱.
۳۵. محبوب فریمانی، الهه، «فهرست توصیفی اسناد وقف در مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۶-۳۵، س ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۳۸-۱۳۳.
۳۶. معتقدی، ربابه، گزیده اسناد، فرمان‌ها و رقم‌های آستان قدس رضوی، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۳۷. منشی قمی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۳۸. موسوی بجنوردی، سید کاظم، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۳۹. مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انجمن کتاب، ۱۳۳۴.
۴۰. نعمتی، محمدرضا، و حسن یوسفی، چینی‌ها و اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، تهران، گنجینه هنر، ۱۳۹۱.
۴۱. نوائی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۴۲. نوری، محمد و آبادر نصر، «گزارشی از اسناد وقف (مرکز اسناد فرایبورگ)»، وقف میراث جاویدان، ش ۷۲، زمستان ۱۳۸۹، ص ۸۶-۴۵.
۴۳. نویدی، داریوش، تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.
۴۴. همایونفرخ، رکن‌الدین، «تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران»، هنر و مردم، دوره ۷ - ۴، ش ۶۶، فروردین ۱۳۴۷، ص ۳۶-۲۹.
۴۵. هنرفر، لطف‌الله، آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، ۱۳۴۴.

جدول (۱): وقف‌نامه برخی از واقفان آستان قدس رضوی

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱	علی بن احمد بن ملک اسماعیل طوسی (خواجه عتیق منشی)	۹۳۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲	خواجه علاءالدین حاجی	۹۳۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳	شاه طهماسب	۹۳۵	کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۴	سید لطیف شاه حسینی مازندرانی	۹۴۰	آستان قدس رضوی
۵	امیر سید جلال‌الدین محمد بن سید لطیف شاه	۹۵۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶	سید علی حسین گنابادی	۹۵۷	آستان قدس رضوی
۷	بیگ آغا خانم	۹۷۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۸	الله وردی خان	۹۹۶	اداره کل اوقاف خراسان
۹	مهدی قلی بیک جغتائی	۱۰۰۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۰	گنجعلی خان زیگ	۱۰۰۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۱	مهدی قلی بیک میر آخورباشی	۱۰۱۱ - ۱۰۲۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۲	شاه عباس	۱۰۱۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۳	شاه عباس	۱۰۱۹	آستان قدس رضوی
۱۴	شاه عباس	۱۰۲۳	اداره کل اوقاف خراسان و آستان قدس رضوی
۱۵	گنجعلی خان زیگ	۱۰۲۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۱۶	میرزا علی‌اصغر حسینی	۱۰۲۵	اداره کل اوقاف خراسان
۱۷	کربلایی غلامرضا	۱۰۳۹	اداره کل اوقاف خراسان
۱۸	محمد حسن	۱۰۵۵	اداره کل اوقاف خراسان
۱۹	مرضیه بیگم	۱۰۵۶	اداره کل اوقاف خراسان
۲۰	شرف نساء بیگم	۱۰۵۶	اداره کل اوقاف خراسان
۲۱	الله وردی خان امیر شکارباشی	۱۰۶۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)



ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۲۲	حاج مراد خان بیکا	۱۰۷۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۳	صفی قلی خان بیگلربیگی مشهد	۱۰۷۶ یا ۱۰۷۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۴	سعدالدین محمد	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی
۲۵	عباس قلی خان بیگلربیگی خراسان	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۶	حاج غلام محمد اصدیقی	۱۰۷۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۲۷	میرزا محمد جعفر	۱۰۷۹	اداره کل اوقاف خراسان
۲۸	میرزائی محمد جعفر	۱۰۷۹	اداره کل اوقاف خراسان
۲۹	مرتضی قلی بیک	۱۰۸۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۰	میر علاءالدین محمد حسین کاشانی	۱۰۸۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۱	میرزا محمد زمانا	۱۰۸۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۲	ملا محمد باقر خراسانی (سبزواری)	۱۰۸۳	اداره کل اوقاف خراسان
۳۳	میرزا محمد کاملا کرمانی	۱۰۸۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۴	عباسقلی خان	۱۰۸۷	اداره کل اوقاف خراسان
۳۵	آقا میرزا ابوطالب رضویا	۱۰۸۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۶	میرزا شاه تقی‌الدین محمد رضوی	۱۰۸۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۳۷	میرزا محمد ابراهیم رضوی	۱۰۸۷	اداره کل اوقاف خراسان
۳۸	میرزا محمد جعفر شمس‌المعالی	۱۰۸۹	اداره کل اوقاف خراسان
۳۹	آقا خواجه محمدهاشم ولد خواجه کلمان	۱۰۹۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۰	میرزا عبدالله خادم	۱۰۹۱	اداره کل اوقاف خراسان
۴۱	حاجی میرزا ابراهیم	۱۰۹۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۲	محیطی خان	۱۰۹۳	اداره کل اوقاف خراسان
۴۳	میرزا سعدالدین محمد	۱۰۹۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۴۴	آهو خانم	۱۰۹۳	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۵	محمد صالح معروف به مکرمت خان ابن خواجه حسین کرمانی	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۶	مختاریک و کالتاً از طرف جمعی	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۷	آقا کافور خزانه‌دار	۱۰۹۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۴۸	شاهوردی خان	۱۰۹۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد) و اداره کل اوقاف خراسان
۴۹	علی‌اکبر اصفهانی	۱۱۰۴	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۰	حاجی محمد صالحی	۱۱۰۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۱	میرزا سید حسنا	۱۱۰۷	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۲	بانو فاطمه خانم	۱۱۰۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۳	قمرالنساء خانم	۱۱۱۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۴	خواجه محمد رحیم وعده‌ای از اهالی دورود	۱۱۱۲	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۵	رجبعلی بیگ و عباسقلی بیگ	۱۱۱۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۶	میرزا محمد فرزند میرزا عادل خان	۱۱۱۸	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۵۷	شاه سلطان حسین	۱۱۱۹	آستان قدس رضوی
۵۸	حاج محمدعلی ابوالصلتی فراش	۱۱۱۹	اداره کل اوقاف خراسان

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۵۹	محمود بیکا	۱۱۲۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۰	حاج عبدالصانع	۱۱۲۲	اداره کل اوقاف خراسان
۶۱	جعفر قلی بیکا امیر شکارباشی	۱۱۲۵	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد) و اداره کل اوقاف خراسان
۶۲	میرزا ابوالحسن صاحب نسق	۱۱۲۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۳	میرزا علاءالدین محمد	۱۱۳۰	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۴	حاجی منصور سر کرده غاربان نیلی	۱۱۳۱	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۵	میرزا محمد مؤمن	۱۱۳۶	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۶	حاج محمد رحیم	۱۱۳۷	اداره کل اوقاف خراسان
۶۷	حاجی محمد یوسف بیکا	۱۱۳۹	آستان قدس رضوی (دفتر بازخوانی اسناد)
۶۸	حاج محمد مؤمن خادم	۱۱۴۱	اداره کل اوقاف خراسان

جدول (۲): وقف‌نامه برخی از واقفان بقعه شیخ صفی‌الدین

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱	بهلول بن قوام‌الدین بن محمد، قوچ احمد بن احمد بن حاجی محمد، شاه ولی بن علی بن نظام	۹۱۲	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۲	نارین خاتون بنت حسین [بن] ... امیر احمد دریغی	۹۱۴	موزه ملی ایران

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۳	میرزا علی بن استاد محمود بن پیره احمد شاه طسوجی	۹۴۲	موزه ملی ایران
۴	غازی خان	۹۵۰	موزه ملی ایران
۵	شاه وردی بیک کنگرلو بن آیدی خلیفه	۹۵۰	موزه ملی ایران
۶	امیر جلال‌الدین معصوم بیک صفوی	۹۵۱	ایروان (آرشیو نسخ خطی)
۷	امیر زین‌الدین علی حسینی استرآبادی	۹۵۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۸	امیر کوچه سلطان قجار	۹۵۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۹	حمزه بیک بن یار احمد آقا	۹۶۰	موزه ملی ایران
۱۰	نظام‌الدین سید نعمت‌الله صفوی	۹۶۵	موزه ملی ایران
۱۱	نظام‌الدین سید یعقوب بن سید نعمت‌الله صفوی	۹۶۵	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۲	ملک میرزا بیک بن سیفلی بیگ چوپانی مغانی	۹۶۶	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۳	سید حیدر بن سید نعمت‌الله صفوی	۹۷۶	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۴	علی قلی سلطان موسیلو	۹۹۸	موزه ملی ایران
۱۵	امیره محمد شاه بن امام قلی امستان	۱۰۲۱	موزه ملی ایران

ردیف	نام واقف	تاریخ وقف (هجری قمری)	محل نگهداری
۱۶	نعمت‌الله ابن خلیل‌الله خلخالی	۱۰۳۶	موزه ملی ایران
۱۷	خلیفه صفی قلی بن خلیفه شاه قلی	۱۰۵۷	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)
۱۸	بیرم بگ بن علی قلی بگ	۱۱۰۲	سازمان اوقاف (بایگانی مرکزی)

\* مندرجات در جداول براساس وقف‌نامه‌های منتشرشده در منابع مختلف به‌ویژه مقاله «تشیع و وقف در عصر صفوی»، نزهت احمدی و کتاب فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (موجود در موزه ملی، سازمان اوقاف، کتابخانه ملی تبریز، بقعه شیخ صفی و ...) عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تنظیم گردیده است. به‌علت گستردگی و پراکندگی وقف‌نامه‌ها و منابع آنها، جداول مذکور، نمایانگر تمامی وقف‌نامه‌ها نمی‌باشد.

